

پیشگفتار

عرصه بین‌المللی پیوسته دست خوش دگرگونی می‌شود و این دگرگونی‌ها نخبگان سیاسی را با چالش‌ها و فرصت‌هایی جدید مواجه کرده و نخبگان دانشگاهی را نیز ناگزیر از پژوهش‌هایی نو می‌نماید. در طول دو دهه گذشته محیط بین‌المللی دستخوش دگرگونی‌های چشمگیری شده است. فروپاشی شوروی، رشد قدرت‌های نوظهور، دگرگونی در سیاست خارجی اعضای سابق بلوک شرق، از جمله این دگرگونی‌هاست. یکی از مهم‌ترین تغییرات در عرصه بین‌المللی در دو دهه گذشته، تحول سیاست خارجی هند و پدیدار شدن این دولت به منزله یک قدرت نوظهور بوده است. در طول دو دهه گذشته سیاست خارجی هند متحول شده است. به رغم انتقال در سیاست خارجی هند و ضرورت درک و شناخت این انتقال برای موفقیت سیاست خارجی ایران، هنوز دانش از منافع و سیاست خارجی این قدرت بزرگ منطقه‌ای در جنوب آسیا محدود باقی مانده است. از بدو استقلال در ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۱، ساختار دوقطبی سیستم بین‌المللی، غلبه اجماع نهروایسم بر سیاست خارجی، ژئوپلیتیک شبه قاره و میراث استعمار به منزله مجموعه‌ای از عوامل سیاست خارجی هند را شکل می‌داد. فروپاشی شوروی، بی‌اعتباری نهروایسم، رشد لیبرال‌ها، ملی‌گراها و واقع‌گرایان در مناظره‌های درونی سیاست خارجی و اهمیت یافتن ژئواکونومی سبب دگرگونی اساسی در سیاست خارجی و سیاست‌های امنیتی هند در دو دهه گذشته شده است. در سال‌های اولیه پس از استقلال، جواهر لعل نهرو نخستین نخست وزیر کشور، سیاست عدم تعهد را در پیش گرفت. دکترین نهرو در حوزه سیاست خارجی فراتر از اصل عدم تعهد بود که تا ۱۹۹۱ بر سیاست خارجی کشور غالب شده و به عنوان اجماع نهروایسم شناخته می‌شد. اجماع نهروایسم سه مشخصه مهم داشت. خوبسندگی اقتصادی بر پایه استراتژی جایگزینی واردات، سکولاریسم سیاسی و عدم تعهد. عدم تعهد به عنوان یک مولفه از اجماع نهروایسم نه تنها بر عدم پیوستن به اتحاد نظامی با قدرت‌های بزرگ تاکید می‌کرد، هم چنین لحنی ضد استعماری و ضد امپریالیستی بویژه در مواجهه با ایالات متحده داشت. نهروایسم که اخلاق‌گرایی نیز خوانده شده، سعی داشت اصول مبارزه ضد استعماری درونی را به اصولی برای ایجاد یک جنبش بین‌المللی متشکل از دولت‌های تازه استقلال یافته آسیایی و آفریقایی تبدیل کند. جنبش بین‌المللی عدم تعهد تحت تاثیر ایده‌های نهرو شکل گرفت. اما در عرصه عمل فشارهای ژئوپلیتیکی هند را از سیاست عدم تعهد بسوی شوروی منحرف می‌نمود. افزایش قدرت چین پس از بازیابی ثبات و یکپارچگی سیاسی در ۱۹۴۹، دست‌یابی پکن به سلاح‌های هسته‌ای، تجدید روابط چین و آمریکا در آخرین سال‌های حیات مائو، ائتلاف پاکستان با ایالات متحده، اتحاد چین و پاکستان، پیوستن پاکستان به پیمان بغداد، علاوه بر این عوامل، تنگنای اقتصادی و دفاعی درونی، هند را ناگزیر از نزدیکی به شوروی می‌نمود.

بدین ترتیب از بدو استقلال تا ۱۹۹۱، به مدت بیش از چهار دهه، اخلاق‌گرایی، میراث مبارزات ضد استعماری، شرایط دوقطبی جنگ سرد و فشارهای ژئوپلیتیکی سیاست خارجی هند را تعریف می‌نمود. بدین‌گونه ایده‌های اخلاق‌گرایانه نهری، هند را به حمایت از مبارزات ضد استعماری در آفریقا و آسیا متعهد ساخته بود. دوقطبی عصر جنگ سرد، آزادی عمل نسبی در سیاست خارجی هند را افزایش می‌داد و از طرفی فشارهای ژئوپلیتیکی دهلی نو را ناگزیر از عدول و انحراف از آرمان‌های انقلابی جهان سوم گرایانه‌اش می‌کرد. در ۱۹۹۱ شوروی به طور کامل فروپاشید و جهانی که هند در آن می‌زیست قدم به یک تک قطبی آمریکایی گذاشت. هم‌زمان الگوی اقتصادی شبه سوسیالیستی هند فروپاشید و اجماع اخلاق‌گرایانه نهری بی اعتبار شد و جهان بینی‌های نو بر سیاست خارجی هند تاثیر گذارتر شدند. فشارهای ژئوپلیتیکی جدید بعلاوه ضرورت‌های ژئواکونومیک به طور تدریجی اثراتی شگرف بر سیاست خارجی هند گذارده، آنچنان که هند وارد یک دوره انتقالی شده است.

در پی این دوره انتقالی هند از سیاست‌های ایدئولوژیک و جهان سوم گرایانه گذشته، دور شده و بر پایه عمل‌گرایی اقتصادی ائتلاف با ایالات متحده را جایگزین سیاست عدم تعهد کرده است. هند اهداف ایدئولوژیک و اخلاق‌گرایانه نهری‌ایسم را ترک نموده و به جستجوی منافع اقتصادی در مناطق مختلف جهان مشغول شده است. در واقع در یک چشم انداز کلان، از آغاز دهه ۱۹۹۰ غالب دولت‌ها سیاست‌های ایدئولوژیک عصر جنگ سرد را کنار گذاشته یا تعدیل نموده‌اند. بیش از یک دهه پیش از شکست اجماع نهری‌ایسم، همسایه بزرگ شرقی، یعنی چین عملگرایی اقتصادی را در پیش گرفته و سیاست‌های انقلابی و ایدئولوژیک مائو را ترک کرده بود.

بیش از یک دهه پیش از آنکه مانموهان سینگ وزیر دارایی در کابینه ناراسیمها رائو در ۱۹۹۲ دستور کار اصلاحات اقتصادی را به اجرا گذارد و کشور را از خودبسندگی اقتصادی و سیاست‌های ایدئولوژیک بسوی توسعه اقتصادی و بازار جهانی حرکت دهد، دنگ شیائوپینگ در پکن با صدایی رسا چین را به عمل‌گرایی اقتصادی فراخوانده بود. شیائوپینگ سیاست انقلابی جهان سوم گرایانه مائو را ترک نموده و به روشنی اعلان داشت که در رهبری و پیشوایی جهان سوم هیچ چیزی وجود ندارد که عاید چین شود و سیاست‌های جهان سوم گرایانه صرفاً سبب از دست رفتن فرصت‌ها برای چین شده و پیامد سیاست‌های جهان سوم گرایانه برای چین آن خواهد بود که پکن بیش از گذشته فرصت‌های توسعه داخلی را از دست بدهد. دهلی نو سال‌ها پس از آن ضرورت عملگرایی اقتصادی را دریافته و فصل تازه‌ای در حیات هند آغاز شده است. بگونه‌ایکه هند وارد یک دوره انتقالی در همه ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی شده است. رشد گرایش‌های ملی‌گرایانه هندو که حزب بهاراتیا جاناتا را در ۱۹۹۸ به قدرت رسانید که نقش موثری در آزمایش‌های هسته‌ای می‌۱۹۹۸ داشت. گشایش اقتصادی و حرکت شتابان به سوی اقتصاد بازار و وابستگی متقابل اقتصادی و نرخ رشد با ثبات بالای اقتصادی

و کسب و افزایش قابلیت‌های هسته‌ای نظامی، پیوستن به ایالات متحده به عنوان یک متحد طبیعی، تجدید روابط با رژیم صهیونیستی و تبدیل سریع رژیم صهیونیستی به یک رقیب جدی در بازار تسلیحاتی هند برای روسیه، ظهور هند به عنوان قدرتی اقتصادی به ویژه در حوزه آسیای جنوب شرقی، همگی جزو تحولاتی است که در دو دهه گذشته منزلت هند را در عرصه بین‌المللی تغییر داده است. بر اساس برآوردهای نهادهای مالی بین‌المللی هند می‌رود که با جمعیتی یک میلیارد و دوست میلیون نفری با تولید ناخالص ملی ۵ تریلیون دلاری سال‌های پایانی دهه اول قرن جدید، در سال ۲۰۲۰ پس از ایالات متحده و چین به سومین اقتصاد بزرگ جهانی تبدیل شود. سیاست خارجی هند وارد یک دگرگونی عمیق و گسترده شده است که تبعاتی نو و هم چنین فرصت‌هایی بزرگ برای موفقیت سیاست خارجی ایران به همراه دارد. درک سیاست خارجی هند بر اساس تجارب گذشته به سوء برداشت‌ها و کج فهمی‌ها در خصوص روابط با این کشور منجر خواهد شد. به رغم دگرگونی‌های شگرفی که از آغاز دهه ۱۹۹۰ در سیاست خارجی هند روی داده است، در این زمینه پژوهش‌های معدودی به زبان فارسی در ایران منتشر شده است، که خود ضرورت پیش‌برد پژوهش‌ها در زمینه سیاست خارجی هند را در ایران، اجتناب ناپذیر ساخته است.

در این پژوهش تحول تدریجی و عوامل اثربخش در سطوح مختلف سیاست خارجی هند مورد بررسی قرار گرفته، سپس به حوزه‌های موضوعی کلیدی سیاست خارجی هند پرداخته خواهد شد. بدین ترتیب که در فصل اول مناظره‌های درونی سیاست خارجی و سپس تحول تاریخی سیاست خارجی هند تحت تأثیر این مناظره‌ها و در فصل دوم عوامل اثر بخش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بر سیاست خارجی هند بررسی خواهد شد. فصل سوم سیاست نگاه به شرق و فصل چهارم سیاست نگاه به غرب هند را مورد بررسی قرار داده و در فصل پنجم سیاست نگاه به شمال و در فصل ششم به سیاست هند نسبت به قدرت‌های بزرگ در عرصه بین‌المللی پرداخته خواهد شد. در این فصل سیاست خارجی هند نسبت به ایالات متحده، روسیه، اتحادیه اروپا، ژاپن و چین بررسی می‌شود. ژاپن که جایگاهی برجسته در گام دوم سیاست نگاه به شرق هند دارد، یک قدرت بزرگ اقتصادی نیز محسوب می‌شود، بنابراین سیاست هند نسبت به ژاپن در فصل مربوط به هند و قدرت‌های بزرگ بررسی خواهد شد. در نهایت کتاب با نتیجه‌گیری که با دلالت‌های ضمنی تحول سیاست خارجی هند برای سیاست خارجی ایران، همراه است به پایان خواهد رسید